



## ماه رمضان هم ماه رمضان‌های قدیم

بیدار شدن‌های غیرمعمول در نیمه‌شب و چشم‌های خواب‌آلود وقت سحر، گوش دادن به زمزمه و مناجات اشک‌آلود پدر، جمع شدن اعضای خانواده دور هم و غذا خوردن‌های شبانه، جرعه جرعه آب خوردن...

بیدار شدن‌های غیرمعمول در نیمه‌شب و چشم‌های خواب‌آلود وقت سحر، گوش دادن به زمزمه و مناجات اشک‌آلود پدر، جمع شدن اعضای خانواده دور هم و غذا خوردن‌های شبانه، جرعه جرعه آب خوردن تا به گوش رسیدن صدای اذان، تلاش و رقابت با خواهر و برادرها بر سر زودتر مسواک زدن، صدای آشنای دعای سحر، طعم دلنشین خواندن نماز صبح اول وقت، خوابیدن‌های نیمروز وقتی سستی و بی‌حالی غلبه کرده، چشم انتظاری دلنشین برای شنیدن صدای اذان و حلاوت وقت افطاری‌های ساده و بی‌پیرایه کنار اعضای خانواده و...

همه خاطره‌های آشنایی از ماه خداست، خاطره‌هایی از سال‌های دور که همه ما فقط یک بار در سال تجربه‌اش می‌کردیم و برای ما یادآور شروع ماه مهمانی خدا بود. البته این روزها همراه با تغییر در زندگی آدم‌ها ماه رمضان هم تغییر کرده و گویی آداب ماه رمضان هم مدرن شده است.

### از سحرخوانی تا ساعت‌های الکترونیک

در سال‌های گذشته در روزهایی که هنوز بیدار شدن از خواب با صدای موبایل و ساعت‌های الکترونیکی باب نبود مردم در شهرهای کوچک و بزرگ کشورمان با شیوه‌های جالبی از زمان سحر و افطار مطلع می‌شدند. قدیمی‌های ما خبرآمدن ماه رمضان را نه از اخبار تلویزیون و روزنامه‌ها بلکه از #171چاووش‌خوان‌ها؛ دریافت می‌کردند. چاووش‌خوان‌ها کسانی بودند که از دو سه روز قبل از آمدن ماه رمضان به خیابان‌ها می‌رفتند و آمدن ماه رمضان را نوید می‌دادند تا کسانی که می‌خواهند روزه بگیرند خود را برای ماه رمضان آماده کنند و کسانی هم که به هر دلیلی نمی‌توانند روزه بگیرند تظاهر به روزه‌خواری نکنند. به گفته هوشنگ جاوید، پژوهشگر عرصه موسیقی آیینی و نواحی، سحرخوان‌ها از یک ساعت مانده به اذان صبح روی بام خانه خود می‌رفتند و اذان می‌گفتند و مردم را به صلوات فرستادن دعوت می‌کردند البته گاهی علاوه بر آن نقاره هم می‌نواختند تا حنجره‌شان کمی استراحت کند. سحرخوان‌ها تا نزدیک اذان به خواندن ادامه می‌دادند و سپس هنگامی که وقت اذان نزدیک می‌شد ابیاتی را می‌خواندند که پایان هر بیت آن با یک صلوات همراه بود و همین علامتی بود تا کسانی که تازه بیدار شده‌اند بفهمند وقت کمی برای سحری خوردن دارند. سپس دعاخوان‌ها دعای سحر می‌خواندند و بعد موذن اذان می‌گفت. تا چند سال پیش نیز هنوز در بعضی شهرهای کشورمان نقاره می‌نواختند و همسایه‌ها با ذکر صلوات، همسایه‌شان را از خواب بیدار می‌کردند. البته در بعضی از روستاها از طبل برای اعلام وقت سحر و افطار استفاده می‌شد هر چند هنوز در بعضی روستاها این رسوم کم و بیش معمول است ولی در شهرهای بزرگ دیگر این نواهای دلنشین شنیده نمی‌شود. این پژوهشگر موسیقی آیینی صلوات‌خوانی، بسم‌الله‌خوانی و منقبت‌خوانی را از نمونه‌های دیگر موسیقی این ماه می‌شمارد که در سال‌های اخیر روی آنها را گرد فراموشی گرفته است. جاوید ذکرخوانی را مهم‌ترین ویژگی موسیقی رمضان می‌داند و هدف از آن را تقویت نیروهای معنوی و سوق دادن روزه‌داران به سمت خوبی تفسیر می‌کند. گذشتگان ما با نغمه‌ها و آواهای دلنشین و ذکرهای مخصوص این ماه، نوجوانان و جوانانشان را با واژگان و جملات مقدس روحانی آشنا می‌کردند و سمت نور و پاکی سوق می‌دادند.

بنا به گفته پژوهشگران این عرصه، موسیقی رمضان در ایران پر از شادی بود چرا که می‌کوشید انسان را به معنویت نزدیک کند و اشعار حزن‌انگیز فقط به ایام قتل امیرالمومنین (ع) اختصاص داشت. منقبت‌خوانی ویژه شب‌های قدر بود و در رثای علی‌ابن‌ابی‌طالب خوانده می‌شد و در نیمه رمضان هم مولودی خوانی و مناجات رواج داشت. در زمان افطار هم از یک ساعت پیش از غروب آفتاب سه بار بر طبل می‌نواختند و این نواختن‌ها هر بار تندتر می‌شد تا مردم بدانند که چقدر به زمان افطار نزدیک شده‌اند و چه وقت می‌توانند دست از کار روزانه بردارند. گذشتگان ما برای اجرای این مراسم از آلات موسیقی مانند دوتار، دف، تنبور، طبل و... استفاده می‌کردند.

### چراغ‌هایی که وقت سحر روشن بود

در گذشته اعضای خانواده با شنیدن صدای نقاره یا سحرخوان‌ها از بزرگ تا کوچک بیدار می‌شدند و خود را برای خوردن سحری آماده می‌کردند. در حالی که کدبانوی خانه نه با آنها که از ساعت‌ها قبل در کار تدارک و تهیه سحری بود، غذا روی چراغ سه فتیله، خوب جا

افتاده بود و پلوی داغ چند ساعت قبل از بیدار شدن اعضای خانواده دم شده بود، قل قل سماور و عطر خوش چای تازه دم هم این نوید را می‌داد که همه چیز برای خوردن سحری آماده است. کسی که زودتر بیدار می‌شد بقیه اعضای خانواده و حتی گاه همسایه‌ها را بیدار می‌کرد، سال‌هایی که رادیو به میان خانواده‌ها آمد، خانواده‌ای که رادیو داشت آن را روشن می‌کرد و اهالی یک محله با صدای رادیو بیدار می‌شدند. بچه‌ها از شوق بیدار شدن سحر و جانماندن از خوردن سحری شب‌ها زودتر می‌خوابیدند و وقت سحر همه اعضای خانواده از کوچک و بزرگ آماده بودند، حتی کسانی که نمی‌توانستند روزه بگیرند هم بیدار می‌شدند تا از فیض سحر محروم نمانند و حداقل اندکی در ثواب روزه‌داران شریک شوند، همین باعث می‌شد وقتی از پنجره خانه به بیرون نگاه می‌کردی چراغ همه خانه‌ها روشن بود اما این روزها که دیگر خبری از آوای دلنشین چاووش‌خوان‌ها و سحرخوان‌ها نیست گویی بیدار شدن برای سحر هم در حال از مد افتادن است. حالا وقتی برای سحر از خواب بیدار می‌شویم شاید کمتر خانه‌ای چراغش روشن باشد. حالا زندگی شهری و شاغل بودن اعضای خانواده باعث شده حتی در وعده سحر هم کمتر دور هم جمع شویم و در میان بسیاری از خانواده‌ها افراد ترجیح می‌دهند در ساعات پایانی شب غذایی تناول کنند تا لذت خواب شیرین بر لذت بیدار شدن هنگام سحر بچربد. اگر خانواده‌هایی هنوز به روال گذشته برای سحر بیدار می‌شوند نه از ساعت‌ها قبل از اذان، بلکه فقط دقایقی قبل از اذان بیدار می‌شوند و ترجیح می‌دهند غذای از قبل آماده شده را در ماکروویو گرم کرده و با عجله تناول کنند و بعد از خواندن نماز بلافاصله به رختخواب برگردند. همه اینها در حالی است که در منابع روایی ما به خوردن سحری بسیار سفارش شده و فصلی با عنوان خوردن وجود دارد و از مجموع روایات چنین بر می‌آید که خوردن سحری برای روزه ماه رمضان مستحب است.

سمیه افشین‌فر / جام جم